

گنبد طلایی و تهدیدهای آن برای امنیت جهانی

گنبد طلایی را به عنوان یک منظومه دفاع موشکی زمینی، دریایی و فضایی معرفی کرده اند که بر اساس ماهواره هایی با حس گر ها و فناوری های پیشرفته کار می کند تا تهدیدها را شناسایی کند. به نظر می رسد نام آن را برای تمایز با «گنبد آهنین» رژیم صهیونیستی انتخاب کرده اند، گنبد آهنینی که بارها در رهگیری موشک های شلیک شده از غزه یا دیگر مناطق ناکام مانده است.

رئیس جمهور آمریکا، ترامپ، در تاریخ ۲۰۲۵/۵/۲۰ آن را اعلام کرد و آن را «جهش تاریخی و بسیار پیشرفته در حوزه دفاع از کشور» دانست که «قادر است موشک ها را حتی اگر از سوی دیگر یا از فضا شلیک شوند رهگیری کند» و پیش بینی کرد که «قبل از پایان سال ۲۰۲۹»، این سامانه «به طور کامل آماده بهره برداری خواهد بود». هدف از آن مقابله با «تهدیدهای موشک های پیشرفته همچون مافوق صوت و بالستیک و کروز، چه متعارف و چه هسته ای» است، چنان که وزیر دفاعش، هایگست، اعلام کرد. ژنرال مایکل گیتلین که ترامپ مأمور توسعه این پروژه کرده است، آن را «ضروری برای مقابله با موشک های پیشرفته چین و روسیه و نیز مقابله با ماهواره هایی دانست که می توانند به یکدیگر برخورد کنند یا حملات سایبری انجام دهند». وی افزود که این سامانه مستلزم ترکیب موشک های «پاتریوت» زمینی و موشک های «استاندارد» شلیک شده از کشتی ها و همچنین ماهواره هایی با حس گر ها و سلاح های جدید مستقر در فضاست. به گفته او، این اقدام «توان بازدارندگی در برابر حملات هسته ای و دیگر تهدیدها به آمریکا را تقویت خواهد کرد».

کنگره آمریکا هزینه این پروژه را در طول بیست سال حدود ۵۴۲ میلیارد دلار برآورد کرده است. این مبلغ تقریباً برابر با یک ششم از ۳۰۵ تا ۴ تریلیون دلاری است که «بن سلمان»، «امیر قطر» و «حاکم امارات» قرار است به ترامپ بدهند. اگر این حکام عقل و ذره ای از صداقت داشتند، می توانستند در کشورهای خود بزرگ ترین انقلاب صنعتی و فناوری را رقم بزنند و پیشرفته ترین سامانه های موشکی را خودشان بسازند، به جای اینکه آن مبالغه را رایگان به آمریکا اعطا کنند و سپس صدها میلیارد برای خرید تسلیحاتش هزینه کنند که فقط علیه امت خودشان به کار می رود و همواره برای تعمیر، تأمین قطعات یدکی و مهمات به آن وابسته می ماند و مگر اینکه با اجازه آمریکا از آن ها استفاده کنند؛ حتی اگر پولش را هم پرداخت کنند، مالکیت کامل تسلیحات برایشان داده نمی شود.

چین و روسیه پیش از اعلام رسمی این پروژه، آن را مورد انتقاد قرار دادند. در بیانیه مشترکی که در تاریخ ۲۰۲۵/۵/۸ صادر کردند، گفتند: «ما رایزنی هایی را برای جلوگیری از گسیل تسلیحات به فضا آغاز خواهیم کرد و سیاست ها و فعالیت هایی را که به دنبال ایجاد برتری نظامی و تبدیل فضا به میدان نبرد هستند، مقابله خواهیم کرد». سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: «آمریکا در به دست آوردن امنیت مطلق برای خود وسواس دارد و این سامانه تهاجمی بسیار خطرناک، اصل استفاده صلح آمیز از فضا را نقض می کند و به تبدیل فضا به عرصه مبارزه دامن می زند و به راه اندازی مسابقه تسلیحاتی منجر می شود و نظام امنیت بین الملل و تلاش ها برای کاهش تسلیحات را تضعیف می کند». روسیه نیز این پروژه را «شبیه جنگ ستارگان» توصیف کرد.

برخی کارشناسان، این سامانه را «پرهزینه» و تا حد زیادی «غیرکارآمد» دانستند. با این حال، کارشناسان نظامی معتقدند که این سامانه برای گسترش توان دفاع موشکی آمریکا در برابر تهدید از سوی چند کشور، به ویژه روسیه که در حال به روزرسانی سامانه های موشک های قاره پیمای خود و موشک های دقیق پیشرفته است و چین که در تلاش است فاصله خود را با آمریکا در فناوری موشک های پیشرفته کاهش دهد، ضروری است.

افزود که آمریکا از تجربه به کارگیری سامانه های دفاعی خود علیه موشک ها و پهپادهای روسی در جنگ اوکراین و نیز در مقابله با موشک ها و پهپادهای حوثی ها از یمن و موشک ها و پهپادهای ایران که علیه رژیم صهیونیستی شلیک شدند بهره مند شده است.

پس آمریکا معتقد است شورهایمانند روسیه و چین در صدد آن اند که در تقویت توانایی های نظامی خود به سرعت به او برسند و تهدیدی برای آن باشند و شکاف گسترده کنونی را که قدرت آن ها را پشت سر کشورهای ده گانه بعد از خود (در رده جهانی) قرار داده، کاهش دهند؛ به نحوی که این کشورها قبلاً قدرت ترکیبی خود را در رتبه ای بالاتر از مجموع روسیه و چین و فرانسه و دیگران قرار داده بودند.

آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا هشدار داد که چین ممکن است ظرف ده سال آینده ده‌ها موشک مداری مجهز به کلاهک‌های هسته‌ای را در چارچوب سیستمی موسوم به «بمباران مداری جزئی» در اختیار داشته باشد. این موشک‌ها می‌توانند از فضا آمریکا را خیلی سریع‌تر از هر موشک متعارف مورد اصابت قرار دهند. چنین موشکی ابتدا وارد مدار کم‌ارتفاع می‌شود و سپس به سمت هدف بازمی‌گردد و می‌تواند از فراز قطب جنوب عبور کند تا سامانه‌های هشدار و دفاع موشکی را دور بزند و مسیری غیرمنتظره برای آن ایجاد کند که تمامی سامانه‌های دفاعی موجود را مختل سازد. این آژانس می‌گوید چین ممکن است تا سال ۲۰۳۵ حدود ۶۰ موشک مداری از این نوع داشته باشد و روسیه ۱۲ موشک از همین مدل. به همین دلیل آمریکا برای مقابله با این تهدیدات آینده، اقدام به توسعه «گنبد طلایی» کرده است.

آمریکا نمی‌خواهد هیچ کشور دیگر به قدرت نظامی آن برسد یا در حد آن قرار گیرد و یا آن را تهدید کند؛ چراکه برای تحمیل سیاست‌ها و وادار کردن کشورها به اجرای آن‌ها، باید آن‌ها را بترساند و تهدید کند. این امر نیازمند وجود یک نیروی نظامی هولناک است که هیچ کشوری توان مقابله با آن را نداشته باشد تا دیگران را مرعوب و مطیع کند و بدین‌سان آمریکا صاحب تصمیم جهانی باقی بماند و هر کشوری را می‌تواند با استفاده از این قدرت باج‌خواهی کند و ثروت‌های جهانی را غارت نماید. مردم جهان اکنون از آمریکا روی‌گردان شده‌اند؛ نه آن را می‌خواهند و نه به حرف‌ها و پروژه‌ها و شعارهایش همچون دموکراسی، آزادی و حقوق بشر گوش می‌دهند، زیرا دریافته‌اند که این شعارها دروغین و فریبکارانه‌اند و به‌منزله ابزارهای استعمارگری هستند. به همین دلیل، ترامپ و دولت‌ش دیگر این شعارهای پوچ را مطرح نمی‌کنند. در نتیجه، تنها راهی که برای آمریکا باقی‌مانده تا بر تسلط جهانی خود تکیه کند، داشتن یک نیروی نظامی پیشرفته و بی‌همتاست که هیچ کشوری برابرش نباشد و با تهدید به به‌کارگیری آن علیه هرکسی که سر به طغیان بردارد یا مقابله کند، سلطه خود را حفظ نماید.

چین تلاش می‌کند بدون ورود به رقابت مستقیم با آمریکا و بدون برخورد با آن، به سطح توانمندی‌های آمریکا برسد. چین می‌بیند که آمریکا با این شیوه او را تهدید می‌کند و او را وادار به ورود در رقابتی برای توسعه چنین سلاحی می‌سازد، درحالی‌که خودش (چین) به آرامی و بی‌سروصدا در حال پیشرفت و توسعه تسلیحات خود است. ادامه چنین رقابتی ممکن است به اقتصاد چین لطمه بزند، چراکه منابع عظیمی را می‌طلبد. این امر مشابه اتفاقی بود که در دهه ۱۳۶۰ شمسی (دهه ۱۹۸۰ میلادی) رخ داد؛ زمانی که آمریکا اعلام کرد درحال توسعه موشک‌هایی است که بتوان از فضا شلیکشان کرد، امری که به «جنگ ستارگان» معروف شد و این اعلام باعث شد اتحاد جماهیر شوروی وارد این رقابت شود تا با آمریکا برابر شود، ولی اقتصادش را از پا انداخت و هرگز نتوانست آن موشک‌ها را بسازد. ممکن است خود فضای چین و ماهواره‌هایش نیز در معرض خطر قرار گیرند اگر آمریکا بر توسعه این فناوری غلبه کند و آن را به یک سلاح هجومی تبدیل سازد. در این صورت، چین مجبور می‌شود از «مرزهای فضایی» خود دفاع کند، چراکه میدان نبرد از محدوده دریایی نزدیک به چین، مانند اقیانوس آرام یا ناحیه خاکی مجاور هند، به فضای بالای کشور منتقل می‌شود. روسیه نیز از چنین احتمالی بیم دارد؛ از این‌رو بود که هردو کشور در بیانیه خود به این نکته اشاره کردند.

به این ترتیب، کشورهایی درحال توسعه با سلاح‌های خود در سطحی هستند که می‌توانند برای آمریکا تهدید ایجاد کنند و این امر روی جایگاه آمریکا به عنوان قدرت اول جهان تأثیر می‌گذارد. این عامل دیگری است برای کاستن از سلطه و غرور آمریکا و زمینه‌ساز بازگشت به دنیای «چندقطبی»، جایی که قدرت‌های متخاصم نتوانند آمریکا را در هر کاری مطلقاً مطیع سازند. آن قدرت‌های رقیب در برابر آمریکا می‌ایستند اگر بخواهد کشورهای دیگر را تهدید کند و در نتیجه فرصت بیشتری برای مردمانی فراهم می‌شود که می‌خواهند از چنگال آمریکا رهایی یابند و راه خود را بر اساس اندیشه خویش انتخاب کنند.

امت اسلامی نیز در موقعیتی قرار دارد که مستعد آزادی است و افرادی مخلص در آن هستند که برای این هدف تلاش می‌کنند. آن‌ها معتقدند راه رستگاری از طریق «دولت خلافت» می‌گذرد و معتقدند این دولت توانمندی نظامی‌اش را توسعه خواهد داد تا در برابر آن قدرت‌های شروری بایستد و پیام خیر را به جهان برساند.